



شنبه 12 خرداد 1397 - 17 رمضان 1439 - 2 ژوئن 2018

رحلت آیت الله العظمی "سید محسن حکیم" زعیم حوزه علمیه نجف اشرف (1349 ش)

رحلت آیت الله العظمی "سید محسن حکیم" زعیم حوزه علمیه نجف اشرف (1349 ش)

حضرت آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم در سال 1267 ش (1306 ق) در نجف اشرف به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات و سطوح حوزه، در 20 سالگی به درس خارج آیات عظام آخوند خراسانی، آقا ضیاء عراقی و میرزای نایینی وارد شد و به اجتهاد رسید. آیت الله حکیم پس از رحلت آیت الله بروجردی به عنوان یکی از مراجع مطرح و برجسته مطرح گردید و بسیاری از مردم عراق و شیعیان مناطق اطراف از ایشان تقلید می کردند. ایشان با تمام جریاناتی که در جهت مخالفت با اسلام شکل می گرفت به مبارزه بر می می خاست و از خود مسامحه نمی نشان داد. فتوای معروف ایشان درباره الحادی بودن کمونیسم، تحول بزرگی در عراق به وجود آورد. همچنین فتوای جهاد علیه اسرائیل و تقویت نیروهای مبارز ضد رژیم صهیونیستی از ایشان صادر گردید. ساخت و تأسیس کتابخانه ها، مدارس، حسینیه ها و مکان های فرهنگی و تألیف کتبی از قبیل مؤسسه عروة الوثقی، نهج الفقه و شرح تبصره و... از جمله خدمات این مرجع بزرگ به حوزه نجف و عالم تشیع است. سرانجام این عالم ربانی در حالی که اهانت های فراوان و آزارهای بسیاری از رژیم بعث عراق متحمل شده بود، در دوازدهم خرداد 1349 برابر با 27 ربیع الاول 1390 ق در 92 سالگی دعوت حق را لبیک گفت و پس از تشییع با شکوه، در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

درگذشت حجة الاسلام سید علی اکبر ابوترابی (1379 ش)

سید علی اکبر ابوترابی، سال 1318 هجری شمسی در شهر قم متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم به تحصیل دروس دینی در مشهد پرداخت. سید علی اکبر ابوترابی در تظاهرات مردم قم در 15 خرداد سال 1342 حضور فعال داشت و در پی تبعید حضرت امام خمینی (ره) به نجف، وی نیز به نجف رفت و مشغول تحصیل در محضر امام (ره) شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، در مرز خسروی بازداشت شد و ساواک وی را به زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد. ابوترابی پس از آزادی از زندان، به همراه شهید سید علی اندرزگو به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین مشغول به فعالیت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگ ها نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و سرانجام در روز 26 آذر ماه سال 1359 در یکی از مأموریت ها به اسارت ارتش متجاوز صدام درآمد. حجت الاسلام ابوترابی در اردوگاه های عنبر، موصل 1، 3، 4 و رمادیه و تکریت 5، 17، 18، و نیز سلول های زندان ها، های بغداد، اسیر بود. پس از ده سال اسارت سرانجام در سال 1369 به میهن بازگشت و در تاریخ هفتم مهر 1369 با حکم مقام معظم رهبری در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت. وی در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، به مجلس راه یافت. حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد 1379 در حالی که همراه پدرش عازم مشهد بود بر اثر تصادف درگذشت.

معراج پیامبر اسلام (ص) (سال دوازدهم بعثت)

بنا به روایتی، پیامبر گرامی اسلام، در شب هفدهم ماه رمضان سال دوازدهم بعثت به امر خداوند از مکه به بیت المقدس سیر کرد و به آسمان ها عروج نمود. در اولین آیه از سوره اسراء، این معجزه ی بزرگ، توصیف شده است. با توجه به این آیه و سخنان حضرت محمد (ص)، ایشان در معراج با بسیاری از اسرار الهی، رموز جهان آفرینش و سرنوشت انسان ها در جهان دیگر آشنا شد. مرکب پیامبر در این سفر آسمانی براق نام داشت و جبریل، فرشته ی بزرگ خداوند، با آن حضرت همسفر بود و دیدنی های عالم بالا و ملکوت و فرشتگان آسمان و بهشت و جهنم را به پیامبر نشان داد. این حادثه از معجزات بزرگ پیامبر گرامی اسلام به شمار می رود و حاکی از جایگاه رفیع ایشان است.

شرفیابی "حسن بن مثله جمرانی" در عالم رویا به محضر "امام زمان" (عج) و مأموریت یافتن او در ساخت مسجد جمران (393 ق)

شرف یابی شیخ حسن بن مثله جمرانی به محضر مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و کسب مأموریت جهت ساخت مسجد مقدس جمران در چنین روزی از سال ۳۷۳ هجری قمری حادث گردید. میرزا حسین نوری طبری (ره) - صاحب کتاب نجم الثاقب - چگونگی ساخت این مسجد مقدس را این چنین روایت می کند: شیخ حسن بن مثله جمرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان

سال ۲۷۳ هجری قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود حضرت مهدی (عج) را اجابت کن که تو را طلب نموده است. آن‌ها مرا به محلی - که اکنون مسجد جمکران است - آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش‌نیکی بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی‌ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است، آن پیر، حضرت خضر بود که مرا امر به نشستن نمود، حضرت مهدی (عج) مرا به‌نام خودم خواند و فرمود: برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می‌کند - بگو: این زمین شریفی است و حق‌تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کند. عرض کردم: یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه‌ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی‌کنند، آقا فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم، و هم‌چنین نزد سیدابوالحسن - یکی از علمای وقت قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به‌دست آورده است، وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا بازخواند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین‌مکان آور و آن را بکش و بین بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق‌تعالی او را شفا دهد. حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا این‌که نماز صبح را خواندم و به سراغ علی‌المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به‌زنج‌زدن همان مکان شب گذشته رفتیم، و در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام (عج) حدود بنای مسجد را نشان می‌داد. سپس به قم نزد سیدابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آن‌گاه به درون خانه رفتیم و سید مرا گرمی داشت و گفت: ای حسن بن مثله من در خواب بودم که شخصی به من گفت: حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می‌آید، هرچه او می‌گوید، تصدیق کن و به قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن. از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم، آن‌گاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم. سید بلافاصله فرمود تا اسب‌ها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می‌آمد، چون به میان گله رفتم، همین که بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن تناول کرد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیةالله (عج) شفا یافت. ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت و مسجد مقدس جمکران را بنا کرد.

وقوع غزوه ی "بدر" اولین جنگ بین اسلام و کفر به فرماندهی پیامبر اکرم(ص)(ع) (۲ ق)

بدر، نام چاهی است که در اطراف آن، نبرد میان مسلمانان و مشرکان شعله‌ور گردید و پس از پایان نبرد، کشته‌های مشرکین در آن افکنده شدند. دراین غزوه که نخستین مقابله ی سپاه اسلام با کفر و نبرد اهل توحید با اهل شرک بود، مشرکان و کفار در آن، از جنبه‌ی ساز و برگ نظامی و اسلحه و مهمات بر مسلمانان برتری داشتند و نفرات آنان سه برابر سپاه اسلام بود. سردارانی چون امیرالمؤمنین علی(ع)، حمزة بن عبدالمطلب و عبیدة بن الحارث بن عبدالمطلب(ع) در این جنگ حضور یافته و هفت نفر از سران لشکر کفر مانند: ابوجهل، ولید، شیبیه و عتبیه را به همراه ده‌ها تن دیگر از مشرکان به هلاکت رساندند. مسلمانان همچنین، هفتاد نفر از کفار قریش را به اسارت درآوردند. اصحاب رسول خدا(ص)، 317 نفر به تعداد اصحاب طالوت بودند ولیکن معروف است که تعداد اصحاب آن حضرت، 313 نفر بوده است.

آغاز عملیات "روباه صحرا" توسط آلمان علیه انگلستان در شمال افریقا (1942م)

در دوم ژوئن در جریان جنگ جهانی دوم، ضد حمله بزرگ مارشال رومل آلمانی معروف به روباه صحرا علیه نیروهای انگلیسی در شمال افریقا آغاز شد. قبل از این حمله، انگلیسی‌ها با تهاجم به لیبی، این منطقه را از ارتش آلمان نازی پس گرفته بودند. اما در جریان ضد حمله مارشال رومل که نزدیک به یک ماه به طول انجامید، نیروهای تحت فرماندهی وی علاوه بر تصرف مجدد لیبی، تا نزدیکی بندر سوئز را از دست متفقین خارج ساختند. با این حال، در حمله متقابل انگلیسی‌ها در نوامبر 1942م، رومل شکست خورد و این نقشه آلمانی‌ها با شکست مواجه گردید.